

فقر فرهنگی موجب شده است:

# بازیافت هویت فردی در لاکچری گرایی

در جامعه ما رشد همه جانبه چه از لحاظ اجتماعی چه از لحاظ فرهنگی وجود نداشته است. در جامعه ما رشد اخلاقی و انسانی اتفاق نیفتاده است و به جایی رسیده ایم که آدم ها به ظاهر توجه بیشتری دارند و خودشان را با در گیر شدن به مادیات تعریف می کنند. مردم جامعه ما با لوکس گرایی و زندگی لاکچری و استفاده از بهترین و شیک ترین کالاها خود را تعریف می کنند و این سبک را به رخ دیگران می کشند.



آذر فخری، روزنامه نگار

برای این مراسم، او متخصص این است که در هر مراسم و بسته به مضمون آن چه بپوشد و چگونه آرایش کند و چه کادویی تهیه کند. او مدام خود را به روز می کند؛ خانم دکتر ی که می داند وقتی قرار است از تومبیل سفارشی ارغوانی رنگش استفاده کند و به جشن ازدواج دختر خاله اش برود، چه لباسی را از کجا تهیه کند و پیش کدما یک از چندین آرایشگرش برود. او در جمع نزدیکان و آشنایانش، ستاره ای درخشان است که با تالاولاش همه را خیره می کند.

**نامیداز سابقه!**

سینا و شهناز، همیشه این طوری نبوده اند. آن ها مثل همه ما، گذشته ای دارند و عکس هایی از آن گذشته. سینا به عنوان یک عکاس -رزمنده عکس هایی از جبهه دار داو را در لباسی معمولی و گاه خاکی دیده ایم که در کوچه و خیابان، به دنبال سوزه های اجتماعی مختلف بوده و کارنامه خوبی در این زمینه دارد.

شهناز هم با وجود تحصیلات و مطب پر در آمدش، روز گاری به شدت دست به خیر بود؛ عکس هایی از او داریم که در حال کمک به نیازمندان و امداد به سیل یازان لرزه زگان است.

اما هر دوی این ها، امروز در باره آن گذشته حرف نمی زنند. اگر پایش بیافتد حتی انکارش می کنند. آن ها ترجیح می دهند کسی در مورد آن گذشته چیزی نداند و فقط با شکل و شمایل مکش مرگ های امروز در ذهن ها جاودانه شوند. با لباس ها و اکسسوار

لاکچری که بر تن خود حمل می کنند اتومبیل های میلیاردی شان، مهمانی ها و سفرهای لوکس شان.

**یک خبر بد!**

گزارش روزنامه شهرونداز کاخ نشینی

در چهار برج لاکچری تهران: «برای زندگی در این کاخ ها باید شان اجتماعی ویژه داشته باشید، تحصیل کرده باشید، خوشنم و بدون حاشیه باشید و جمعیت خانواده تان کم باشد تا بتوانید خانه های لاکچری برج های معروف تهران را بخرید. برج هایی که باند فرود هلی کوپتر اختصاصی دارند، پزشک ویژه و حرفه ای ترین مربی های ورزشی را برای اهالی ساختمان استخدام کرده اند و کارواش اختصاصی و باغ های عمودی جزو دیگر آپشن های شان است»

همین گزارش، پای ما را به داستان سینا و شهناز باز کرد. این که آدم هایی در این جامعه هستند که با وجود تورم و گرانی، با این همه آدمی که ز پر خط فقر در حال زندهمانی اند و نه زندگی و برای این زندهمانی، روز و شب تا کمر توی سطل های زبالا شهر فرو می روند تا روزی شان را از آن بیرون بکشند، در حال وهوایی دیگر سیر می کنند.

سینا و شهناز، آدم های دانشگاه دیده و تحصیل کرده ای هستند و در برهه ای از زندگی شان، در میان همین مردم و همدرد آن ها بوده اند، اما حالا با ورود به این برج ها، حافظه طولانی مدت خود را دم در ورودی شیک برج گذاشته اند و از طبقات بالا رفته اند.

نه! مسئله این دو نفر بر خلاف آن چه برخی می گویند، ربط چندانی به فضاهای مجازی ندارد که این دو اصلا در فضای مجازی نیستند و هیچ پیج یوتیوب و اینستای هم ندارند. از قضا به نظر می رسد نمایش های اینستای در مورد ثروت، مال آدم هایی باشد که به ضرب و زور قسط و اجاره لوازم لوکس می خواهند تماشاگران را دچار این توهم کنند که ما هم بله! اما داستان کسانی که واراد این برج ها می شوند، آن قدر واقعی است که

می شود؛ در مملکت گل و بلبل ما همه راه ها به آفازاده ها و سلبریتی ها و افراد دارای نفوذ در جامعه، ختم می شود! مردم از دارا و ندار، خود را به هر آب و آتشی می زنند مانند «آن ها» شوند و در این میان الگو پذیران -مقلدان- به داشته ها و امکانات شان فکر نمی کنند. بسیاری از اینان که الگوهای اجتماعی خود را از بیسن افراد نامبرده انتخاب کرده اند، در تله یک زندگی عاریه ای افتاده اند: خریدهای لوکس و البته گاه نالازم، ادامه تحصیل های بی مورد و گران در دانشگاه های پولی و پردیس های گران قیمت، ازدواج های فول لاکچری و دور دور های... همه قسطی!

دکتر مهرداد فلاطونی، روان شناس به نکته قابل تاملی اشاره می کند: زمانی که میان هویت واقعی فرد و هویت آرمانی که در ذهنش دارد، اختلاف و فاصله معناداری وجود داشته باشد و فرد هویت اجتماعی اش را در زندگی لاکچری تعریف کند، آن وقت امکان دارد دست به رفتارهای فریبنده ای بزند تا از خود واقعی اش فرار کند. لاکچری بازی و چنین نمایش هایی معمولاً محصول خود کم بینی افرادی است که اعتماد به نفس لازم برای روبرو و شدن با خود واقعی شان را ندارند.

این روزها، بر خلاف یک دهه پیش دغدغه جوانان مادیرگر یافتن پاسخ برای پرسش های اساسی هستی و پاسخ به نیازهای هستی شناسانه شان نیست. معیار آن ها برای خودنمایی، تغییر کرده است و طبیعی است که دختر و پسر سینا و شهناز، با دیدن رفتار والدین خود، بیشتر در پی کسب ثروت باشند و جلیوزدن از دیگران در این مسابقه نمایش ثروت و فاصله گرفتن از طبقات معمولی جامعه. این ها هیچ تشابه و نقطه اشتراکی با نسلی که مدام کتاب می خواند و در بحث های فرهنگی و ادبی و سیاسی شرکت می کرد، ندارند؛ چون خود آن نسل هم امروز تغییر رویه داده و هویت خود را در طبقات چنان برج هایی جست و جوی می کند.

**مادر جاز ده ایم**  
**عقب گرد کرد ده ایم!**

امیر محمود حریری، جامعه شناس چنین توضیح می دهد: در جامعه ما رشد همه جانبه چه از لحاظ اجتماعی چه از لحاظ فرهنگی وجود نداشته است. در جامعه ما رشد اخلاقی و انسانی اتفاق نیفتاده است و به جایی رسیده ایم که آدم ها به ظاهر توجه بیشتری دارند و خودشان را با در گیر شدن به مادیات تعریف می کنند. مردم جامعه ما با لوکس گرایی و زندگی لاکچری و استفاده از بهترین و شیک ترین کالاها خود را تعریف می کنند. لوکس گراها آدم هایی هستند که به رشد فردی اهمیت نمی دهند و خود را با ثروت و زندگی لاکچری تعریف می کنند و این تعریف جدیدی از «انسان ایرانی» است: هر کسی که شیک پوش تر باشد از ماشین شیک تری استفاده کند و خانه لوکس تری داشته باشد، بالاتر از افشار جامعه قرار می گیرد. این لوکس گرایی

**به نظر می رسد نمایش های اینستایی در مورد ثروت مال آدم هایی باشد که به ضرب و زور قسط و اجاره لوازم لوکس می خواهند تماشاگران را دچار این توهم کنند که ما هم بله! اما داستان کسانی که واراد برج های لوکس می شوند، آن قدر واقعی است که نمی شود آن ها را در فضاهای مجازی پیدا کرد**

گاهی به تغییر ظاهر افراد نیز می انجامد. تغییر ظاهر و عمل های جراحی زیبایی در ایران به شدت افزایش یافته و میزان مصرف لوازم آرایشی در ایران قابل مقایسه با کشورهای توسعه یافته نیست.

حریر چسی می گوید: فردی که بینی اش را دوست ندارد می تواند با یک جراحی آن را به حالت طبیعی و دل خواه در بیاورد. این اتفاق بسیار طبیعی است و مشکلی ندارد. اما اگر این عمل به صورت یک مداخله پیدا کند و باعث ایجاد قابلیت در بین افراد شود، صحیح نیست. اگر توجه کنید می بینید بسیاری از خانم ها در جامعه ما شبیه هم شده اند.

این مسئله شامل ماشین هایی که در سطح شهر تهران تردد می کنند هم می شود. در کشورهایی مانند آلمان و ایتالیا تعداد ماشین های لوکسی که در سطح خیابان دیده می شود کمتر از ایران است. در حالی که این کشور خودشان تولید کننده ماشین های لوکس هستند، اما در کشور ما برخی افراد با ماشین هایی مانند پورشه و لامبورگینی در خیابان ها مانور می دهند. افرادی که سوار این قبیل ماشین ها می شوند، چه چیزی را می خواهند ثابت کنند؟ این افراد در پی ارائه تعریفی از خودشان هستند که متأسفانه جامعه نیز آن را پذیرفته است. لوکس گرایی خانواده را نیز تحت تاثیر قرار می دهد؛ زیرا در آمدها تحت هر شرایطی محدود است.

هنر نه هایی که باید برای لوکس گرایی صرف شود، می تواند زمینه به فساد کشیدن اشخاص را فراهم کند. این روزها شاهد این هستیم که هر چه در جامعه تورم بیشتر می شود، اختلاس هم بیشتر می شود. زندگی لوکس مستلزم صرف هنر نه های گرافی است. این هنر نه ها باید از کجا تامین شود؟ طبیعی است که این افراد به بیراهه و فساد کشیده خواهند شد و بر زندگی سایر افراد جامعه تاثیر منفی خواهند داشت. افرادی که از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند نمی توانند مانند افراد لوکس گران زندگی کنند. هنگامی که این ناپرابری را مشاهده می کنند نیست به جامعه احساس مسئولیت نمی کنند. آن ها معتقدند جامعه حق آن ها را پایمال کرده و با خود تکرار می کنند من چه مسئولیتی در این جامعه دارم؟ چرا من نباید دزدی کنم؟

## از گوشه و کنار

در نشست حل بحران جنسی مطرح شد:  
**ضرورت اقناع ذهنی افراد برای ازدواج**



یک جامعه شناس، نبود معرفت شناسی بر مبنای خانواده را موجب اقناع ذهنی و بی ارزشی ازدواج میان افراد خواند و روابط آزاد را نتیجه این نگاه دانست.

ابراهیم فیاض در دومین جلسه از سلسله نشست های «حل بحران جنسی» گفت: امروزه معرفت شناسی جامعه ما معرفت شناسی خانواده نیست، در نتیجه شاهد ایجاد تنفر جنسی هستیم، چرا که زنان نقش مرد و مردان هویت و نقش زنانه پیدا کرده اند در نتیجه افراد از جنس مخالف خود متنفر می شوند. از سوی دیگر زنان وقتی ببینند مردان نقش آن ها را ایفا می کنند دچار خشونت می شوند.

این استاد دانشگاه تهران با بیان این که امروزه باید به خانواده و خانه برگردیم، عنوان داشت: محور خانواده زن است و زن امروز دچار بحران هویت شده یعنی هویت مردانه پیدا کرده است.

فیاض تصریح کرد: در جامعه امروز مردان برای روابط جنسی با دختران عشوه گری می کنند اما برای تشکیل و تصحیح خانواده باید زن راز و مرد را مرد کنیم. یعنی هویت زنانه را به زنان و مردانه را به مردان برگردانیم تا خانواده درست شود.

این جامعه شناس با اشاره به این که باید انقلابی خانوادگی بر اساس مردانگی مرد و زنانگی زن ایجاد شود، گفت: اگر روند کنونی ادامه پیدا کند نفرت جنسی در بین زنان و مردان از جنس مخالف خود تشدید می شود و در نتیجه تعداد بسیاری از دختران و پسران مجرد خواهند ماند.



**هشدار به مردم و مسئولان آموزشی کشور:**  
**نمرات پایین دانش آموزان ایرانی در آزمون های جهانی تیمز**



تحقیقاتی که با موضوع بررسی درک و فهم دانش آموزان از مفاهیم و فرآیندهای مختلف ریاضی انجام گرفته است، نشان می دهند که اغلب دانش آموزان در مناطق مختلف ایران در همه مقاطع تحصیلی در درک و فهم و انجام فرآیندها و مفاهیم ریاضی با مشکلاتی مواجه می شوند. حتی بعضی از تحقیقات حاکی از وجود برخی بدفهمی ها و باورهای نادرست دانشجویان و معلمان ریاضی، پیرامون مفاهیم و فرآیندهای ریاضی اند.

علاوه بر این، نتایج آزمون بین المللی «تیمز» که وضعیت تحصیلی دانش آموزان پایه چهارم و پایه هشتم را در ریاضیات و علوم می سنجد و هر چهار سال یک بار برگزار می شود، در سال های مختلف، بیانگر آن است که میانگین نمرات دانش آموزان ایرانی در این آزمون از میانگین نمرات بسیاری از کشورهای شرکت کننده کم تر است.

نتایج حاصل از این آزمون برای برخی از کشور ها به قدری اهمیت دارد که حتی ممکن است به تغییرات اساسی در سطوح بالای مدیریت آموزشی نیز بینجامد، به طوری که در تیمز ۱۹۹۵، وزیر آموزش و پرورش کشور نروژ به علت کسب رتبه پایین در این آزمون ها مورد سوال قرار گرفت.

توجه به دلایل عملکرد ضعیف دانش آموزان ایرانی در هر دو حوزه محتوایی و حیطه های شناختی از مواردی است که باید مورد توجه آموزشگران و برنامه ریزان ریاضی کشورمان باشد. به ویژه عملکرد ضعیف دانش آموزان در هر دو پایه در حیطه های شناختی که به توصیف فرآیندهای تفکر می پردازند، در این حیطه بیانگر آن است که توانایی دانش آموزان در حیطه هایی مانند استدلال کردن ضعیف است.

کردن به خانه، ذهنیت کارمندی را به مادری تغییر دهیم. پژوهشگران از ۴۴۳ کارمند در آمریکا برای انجام یک تحقیق درباره مسیر رفت و آمد دعوت به همکاری کردند. کارمندان به چهار گروه تقسیم شدند. از یک گروه خواسته شد در طول مسیر به ارزیابی کاری بپردازند. اعضای گروه بعدی موظف بودند رفتارهای آرامش بخش را تجربه کنند، گروه سوم تلفیقی از این دو (ارزیابی کاری - رفتار آرامش بخش) را انجام می داد و افراد گروه آخر، هیچ دستورالعملی نداشتند. بررسی میزان رضایتمندی افراد این چهار گروه نشان داد که میزان رضایتمندی کاری گروه اول، بیشتر از بقیه بود.

منبع: کانال سواد زندگی

ژیموویچ، ژولیاالی و جوچن منگز نتیجه تحقیقات و آزمایش های متعدد خود درباره راه های کاستن از آسیب های مسیر رادر harvard business review منتشر کرده اند که خلاصه آن به این شرح است: مادر خانه و محل کار، دو وضعیت متفاوت داریم. یک جا پدر، مادر یا همسر، جای دیگر رئیس و کارمند و... توصیه می شود از مسیر خانه تا محل کار و برعکس برای تغییر وضعیت ذهنی خود جهت جایگاه بعدی استفاده کنیم. مثلاً در مسیر خانه تا محل کار، به کارهایی که باید در طول روز انجام دهیم تا ارتقای کاری داشته باشیم فکر کنیم تا از پندر به کارمند تغییر شیفت دهیم یا وقتی از محل کار به منزل برمی گردیم، با فکر

از ۴۵ دقیقه در راه است، ۴۰ درصد بیشتر در معرض خطر طلاق هستند (نتیجه پژوهش در سوئیس). - بالا بودن احتمال استغفا (نتیجه پژوهش ۵ محقق که نام شان در پاراگراف بعدی آمده است در انگلیس). - کاهش راندمان کاری، خستگی حین آغاز کار، کاهش رضایتمندی شغلی و ... ( نتیجه مطالعات دیگر دانشگاهی). اما پنچ محقق دانشگاهی به نام های فرانچسکا گینو، بردلی استاتس، جان

پرداخته و با اشاره به آزمایش های متعددی که در سراسر جهان انجام شده، آسیب های طولانی بودن مسیر خانه تا محل کار را بر شمرده است: - سفر صبحگاهی به محل کار سومین فعالیت بد افراد در طول روز است (نتیجه پژوهش های دنیل کانمن، برنده جایزه نوبل اقتصاد). - احساس اضطراب بیشتر و قائل شدن ارزش کمتر به فعالیت (نتیجه پژوهش دولتی در انگلیس). - زوج هایی که یکی از آن ها روزانه بیش

تنها تعداد اندکی از افراد، به ویژه در شهرهای بزرگ، این شناس را دارند که محل زندگی و کارشان، نزدیک هم باشد. بسیاری از افراد روزانه بین یک تا دو ساعت و بعضاً بیشتر، در مسیر رفت و آمد بین خانه تا محل کار شان هستند (۳۰۰ تا ۶۰۰ ساعت در سال و گاه بیشتر) مجله کسب و کار هاروارد (Harvard Business Review) که یکی از معتبر ترین نشریات آکادمیک جهان است (ترجمه ای از این مجله در ایران توسط نشر نوین منتشر می شود) در شماره می - ژوئن ۲۰۱۷ خود به این موضوع

یادداشت

## چگونه در مسیر کار به زندگی شیفتم کنیم؟